

فصلنامه حقوق اداری

سال دوازدهم، ۱۴۰۳، شماره ۴۱

مقاله علمی پژوهشی

بررسی تغییرات و نوآوری‌های سند پیمان طراحی و مهندسی، تامین مصالح و تجهیزات، ساختمان و نصب برای کارهای صنعتی^۱ در صنعت نفت با تاکید بر حفظ منافع کارفرما

محمد رضا افشاری^۲؛ فاطمه جهانزاده^۳؛ زهرا شریفی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۵

چکیده

امروزه غالب قراردادهای منعقده در صنعت نفت ایران به شکل پیمانکاری هستند؛ بدین معنا که کارفرما (طرف اول) که شخصیت حقوقی دولتی است، انجام خدمات یا خرید کالایی را در مقابل مبلغ و زمانی معین به پیمانکار (طرف دوم) محول می‌کند. اولاً^۵ به جهت اهمیت قراردادهای نفتی در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و چهرباس، امنیتی و سیاسی کشور و ثانیاً^۶ بدليل کثیر استفاده از این نوع قرارداد، معاونت مهندسی، پژوهش و فناوری وزارت نفت در سال ۱۳۹۸، طی تنظیم سندی، شرایط عمومی این‌گونه پیمان‌ها، تعهدات و مسئولیت‌های هر دو طرف پیمان را به صورت یکجا، مدون و آن را برای استفاده اختصاصی در صنعت نفت ارائه کرد. چهار سال بعد، اما به دلیل تغییرات شرایط حاکم بر بازارهای داخلی و خارجی و بهجهت رفع نیازهای مقتضی این صنعت پیچیده و با بهره‌گیری از تجارب گذشته، شاهد تغییرات، اصلاحات و ابداعاتی در سند فوق الذکر هستیم. در نوشته پیش‌رو، اهم تفاوت‌ها و نوآوری‌های سند مصوب سال ۱۴۰۲^۷ از آن‌جهت که نفع یا حقیقی برای کارفرما ایجاد یا حقوق قبلی را شفاف یا تقویت کرده است، با رویکرد توصیفی - تحلیلی بحث و بررسی شده است. نتیجه تحقیق، نشانگر تحکیم جایگاه کارفرما و اهمیت حفظ منافع وی بیش از پیش در تمام مراحل قرارداد از آغاز تا پایان آن نسبت به سند قبلی است.

کلیدواژه‌ها: ابداعات، اصلاحات، کارفرما، پیمانکار، پیمان همسان EPC

۱-EPC : Engineering, Procurement and Construction

۲- استادیار دانشکده نفت تهران - دانشگاه صنعت نفت m.afshari@put.ac.ir

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق نفت و گاز ، دانشگاه صنعت نفت تهران، تهران: ایران (نویسنده مسئول)
f.jahanzadeh@tfp.put.ac.ir

۴- دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق نفت و گاز ، دانشگاه صنعت نفت تهران، تهران: ایران.

۵- قابل ذکر است که سند ابلاغی سال ۱۴۰۲ در تاریخ ۱۴۰۳/۰۹/۰۳ بدون اعمال تغییرات توسط وزیر محترم نفت به شرکت‌های اصلی و فرعی وزارت نفت ابلاغ گردید.

مقدمه

بدیهی است طرفی که قدرت چانهزنی بیشتری در زمان انعقاد قرارداد دارد، برای حفظ منافع خود از این قدرت، استفاده یا سوءاستفاده کرده و تاحد ممکن، تدابیری را اتخاذ کند که این منافع، بدون کمترین ریسک و بروز اختلاف از ابتدا تا پایان قرارداد تامین گردد. اگر عمومات قرارداد به قصد تامین و حفاظت از حقوق یک طرف از قبل نوشته شده و طرف دوم، صرفاً در محدود مواردی، حق اظهارنظر داشته باشد، مرزهای چانهزنی درنوردیده شده و به نوعی، شاهد اعمال یک جانبه اقتدار به نفع یک طرف هستیم. اگرچه، این شیوه عمل با انصاف و نظریه قرارداد برد-برد تا حدودی فاصله دارد؛ ولی هنگامی که بستر اجرای آن، منافع عمومی و امور مربوط به زیرساخت‌ها و طرح‌های سرمایه‌گذاری باشد که با توجه به نقش عمدۀ و تاثیرگذار صنعت نفت در اقتصاد کشورمان، قراردادهای این حوزه عمده‌ای از این دست هستند، این ذهنیت منفی تا حدی فروکش کرده و ایجاد خطوط قرمز و اختیارات بیشتر برای حفظ منافع عموم جامعه که هزینه قرارداد به نحوی از منابع متعلق به آن‌ها و بیت‌المال تامین می‌گردد، غیرمنطقی به نظر نمی‌رسد.

پروژه‌های صنعت نفت و گاز چه در بالادست و چه پایین‌دست، به وسعت و تنوع شرح کار مشهورند. هیچ پیمانکاری قادر نیست که تمام فعالیت‌های پروژه را به‌نهایی یا حتی با کمک شرکت‌های فرعی خود پیش‌ببرد. ناگزیر، پروژه به بخش‌های مختلف تقسیم‌شده و هر بخش معمولاً در قالب قراردادهای EPC به پیمانکاران جزء واگذار می‌گردد. مثلاً درخصوص توسعه میدان نفتی ممکن است بخش حفاری، خطوط لوله جریانی، احداث تفکیک‌گر و دیگر مخازن، پمپ‌های انتقال نفت و قسمت سیویل، هر کدام به یک پیمانکار مجزا که در اجرای آن بخش، تخصص و سابقه دارد، داده شود. این قراردادها برای پروژه‌هایی مناسب است که در آن، کارفرما مایل است تا ریسک‌های افزایش قیمت، افزایش زمان و کیفیت اجرای پروژه را به پیمانکار منتقل نماید (بهادری، ۱۳۹۸، ۱۰ و ۱۳)؛ بنابراین، کارفرما مبلغ بیشتری را برای انجام این قراردادها به منظور انتقال ریسک به پیمانکار خواهد پرداخت.

در راستای اهمیت و کثرت استفاده از قراردادهای EPC در صنعت نفت، در سند همسان مربوط به شرایط عمومی پیمان‌های EPC ابلاغی سال ۱۴۰۲ سازمان برنامه و بودجه و وزارت

نفت برای استفاده در انعقاد قراردادهای پیمانکاری^۱، شاهد اعمال تغییرات و نوآوری‌هایی^۲ برای تقویت منافع کارفرما و درواقع، منافع عموم جامعه هم از حیث حسن پیشرفت و نظارت بر اجرای پروژه و هم از حیث نحوه هزینه کرد وجوه عمومی و پاسخگویی طرف دیگر هستیم. در نگاهی جامع، نویسنده‌گان سعی کرده‌اند ابتدا با جستجو در متن شرایط عمومی و مقایسه آن با نمونه سابق، هر تغییر یا نوآوری را که بهنحوی تامین‌کننده منافع کارفرما در اجرای قرارداد است را استخراج کنند، سپس این موارد را به اقتضای گنجایش بحث در بستر صنعت نفت و گاز تحلیل نمایند و در آخر نیز به‌طور منصفانه در مورد اثر این تغییرات و نوآوری‌ها برحسن اجرا و ادامه قرارداد، نکاتی را بیان کنند.

برای نظم‌دادن به مطالب برای درک و تحلیل بهتر، آنچه در این سند برای تامین منافع کارفرما بیان شده‌است، ذیل دو عنوان کلی تغییرات و نوآوری‌ها بررسی می‌شود. منظور از تغییرات، مواردی است که در سند قبلی وجود داشته، اما در شرایط عمومی سال ۱۴۰۲، بهنحوی دستخوش دگرگونی شده و مواردی به آن اضافه یا از آن کم شده یا رفع ابهام‌گردیده یا کلا حذف شده و یا رویکرد طراحان از نظر جایگاه بیان و اهمیت موضوع تغییر کرده است. حال آنکه، منظور از نوآوری‌ها؛ مواردی است که برای اولین بار در سند مورد مطالعه پیش‌بینی شده‌اند. این نوآوری‌ها در دو قالب نوآوری‌های بنیادی و اثرگذار بر تمام سند و نوآوری‌های جزئی و موردي بررسی خواهند شد.

۱ - در شرکت‌های اصلی و فرعی تابعه بدون ایجاد هرگونه تغییر در آن‌ها

۲ - ایجاد تغییرات و بهروزکردن استاد همسان، امری معمول در سطح بین‌المللی است؛ همان‌گونه که نسخه اولیه نمونه فرارداد EPC/Turnkey فیزیک در سال ۱۹۹۹ ارائه گردید و در سال ۲۰۱۷، شاهد انتشار نسخه بهروز و ویرایش شده آن هستیم. در مقدمه فیدیک ۲۰۱۷ به برخی از این تغییرات به طور مثال اشاره شده است :

- ۱- greater detail and clarity on the requirements for notices and other communications;
- ۲- provisions to address Employers' and Contractors' claims treated equally and separated from disputes;
- ۳- mechanisms for dispute avoidance and
- ۴- detailed provisions for quality management, and verification of Contractor's contractual compliance. (FIDIC, ۲۰۱۷, ۸)

اصلاحات به نفع کارفرما در سند همسان ۱۴۰۲ EPC^۱

این بخش از نوشتار ذیل دو مبحث «اصلاحات مربوط به افزایش اختیارات یا کاهش محدودیت‌های کارفرما» و «اصلاحات مربوط به رفع ابهام، تفکیک و تعیین دقیق‌تر تعهدات» ارائه می‌گردد.

اصلاحات مربوط به افزایش اختیارات یا کاهش محدودیت‌های کارفرما

۱. اصلاح مرتبط با تعليق کارها

ماده ۶۵، شرایط عمومی ۱۴۰۲ EPC درمورد تعليق کارها است. طبق بند ۱-۶۵، کارفرما حق صدور دستور تعليق قسمتی از کار یا تمام کار را در دو نوبت که مجموعاً حداقل تا ۹۱ روز است، دارد. در سند قبلی، این امکان در یک نوبت حداقل ۹۰ روزه پیش‌بینی شده‌بود. افزایش یک‌روزه مهلت تعليق و افزایش تعداد دفعات انجام آن، تعییری به نفع کارفرما محسوب می‌شود. همچنانی از تعییرات دیگر این ماده نسبت به سند قبلی این است که اگر کارفرما ابتداً دستور تعليق کمتر از ۹۱ روز را داد، بعداً می‌تواند این مدت را تا ۹۱ روز راساً تمدید نماید. به علاوه، در صورت موافقت پیمانکار، امکان تمدید مهلت تعليق بيشتر از ۹۱ روز نیز وجود دارد. شایان ذکر است مفهوم حقوقی تعليق در قراردادهای پیمانکاری با مفهوم معمول این نهاد حقوقی متفاوت است. طبق ماده ۱۸۹ قانون مدنی: «عقد منجز آن است که تاثیر آن بر حسب انشاء موقوف به امر دیگری نباشد، والا متعلق خواهد بود.» به طور کلی، تعليق قرارداد به معنای متعلق کردن اثر و منشا عقد بر امری است. عقد متعلق از لحاظ انشاء تفاوتی با دیگر عقود ندارد و وجود تعهد است که در این گونه قراردادها متعلق بر امری خارجی می‌شود. (کاتوزیان، ۱۳۹۹: ۳۷؛) اما در سند، شرایط عمومی پیمان اثر و منشا عقد بر امری دیگر متعلق نشده است و پیمانکار در مقابل کارفرما، متعهد به اجرای موضوع پیمان به صورت منجز است؛ ولی به کارفرما اختیار متوقف کردن موضوع پیمان برای زمان محدودی داده شده است (زبیدی، ۱۳۹۸: ۱۶۷). به طور کلی، تعليق در قراردادهای پیمانکاری به‌این معناست که یکی از طرفین قرارداد که معمولاً کارفرما است، توانایی تعليق کلی

۱ - از آنجایی که تمرکز تحقیق حاضر بر روی متن شرایط عمومی پیمان همسان EPC ابلاغی ۱۴۰۲ وزارت نفت است، عبارات «سند ۱۴۰۲»، «EPC ۱۴۰۲» و «شرایط عمومی ۱۴۰۲» جهت اختصار و اجتناب از تکرار عنوان طولانی سند، در قسمت‌های مختلف متن به کار رفته و همگی ناظر به یک سند می‌باشند.

یا جزئی اجرای کار یا ایفای تعهدات موضوع قرارداد توسط طرف مقابل را داشته باشد. تعلیق توسط یکی از طرفین قرارداد و بنابر مصلحت وی ایجاد شده و از بین می‌رود. به عبارت دیگر، برخلاف مفهوم عقد متعلق در قانون مدنی، موضوع تعلیق قرارداد پیمانکاری، تعلیق در منشاء و اثر قرارداد نیست؛ بلکه توقف اختیاری اجرای تعهد قراردادی برای زمان مشخص است (متولی و کافتری، ۱۳۹۹: ۴۵۰).

۲. اصلاح مرتبط با معروفی نماینده کارفرما

بر اساس ماده ۱-۳۹ شرایط عمومی سند ۱۴۰۲، کارفرما فرصت دارد تا یکروز مانده به شروع کار، نماینده خود را به پیمانکار معرفی نماید؛ در حالی که در ماده ۲۵ سند قدیم، این زمان محدود به ۱۵ روز بعد از تاریخ نافذشدن پیمان بوده است. درواقع، بند مربوط در این سند، مدت زمان انتخاب و اعلام نماینده توسط کارفرما را بیشتر می‌کند که بر اختیارات وی می‌افزاید.

۳. اصلاح مرتبط با تضامین پیمانکار

اگرچه دو مفهوم تضمین و بیمه، مفاهیمی جداگانه و متفاوت هستند؛ اما شباهت‌های بسیاری نیز وجود دارد؛ بنابراین، می‌توان از قرارداد تضمین مسئولیت به «پیمان‌های شبیه بیمه» تعبیر کرد (ایزانلو و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۰). ماده ۷ سند قدیم در بحث تضمین^۱، مدت زمانی ۳ ماهه برای اعتبار ضمانتنامه ارائه شده پس از تحويل موقت یا هر زمان دیگری که در شرایط خصوصی توافق و درج گردیده باشد، قائل شده است؛ ولی در ماده ۱۳ شرایط عمومی ۱۴۰۲، مدت زمان اعتبار تضمین به یک سال افزایش یافته است که مشخصاً حدود اختیارات کارفرما را گسترده‌تر کرده است. همچنین در ماده ۷ سند قدیم مربوط به تضامین، سقفی برای پیمانکار به جهت دادن تضمین درنظر گرفته شده است که ۵۰ درصد مبلغ اولیه پیمان را شامل می‌شود؛ اما در ماده ۱۳ از

۱ - تضمین به معنای سپردن مال یا وجه نقد یا به عهده گرفتن تعهد فرعی یا مضاعف بهمنظور پاییندی به یک تعهد اصلی و شروط مربوط به آن است و هدف از ارائه تضمین، جلوگیری از ورود خسارت به کارفرما در صورت نقض تعهدات قراردادی پیمانکار است (کاظمی نجف‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۱۱).

شرایط عمومی سند مصوب ۱۴۰۲ که اکنون ملاک عمل است^۱ بهوضوح میبینیم که سقف مبلغی برای پیمانکار حذف شده است. از آنجا که تضمین‌ها انواع متفاوتی دارند و حسب مورد شخص ثالث یا خود پیمانکار در صورت نقض تعهدات قراردادی به موجب این تضمین مسئول خواهد بود. براین‌اساس، همه تضمین‌های پیمانکاری، نوعی ضمان وثیقه‌ای بوده است (کاظمی‌نجف‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۵: ۸). درنتیجه، افزایش مبلغ تضمین یا بهعبارت‌دیگر حذف سقف موجود در سند قبلی بهروشنی به نفع کارفرمایی است که حقی وثیقه‌ای و ممتاز دارد و درصورت هرگونه نقض عهدی، فوری بدین‌وسیله خسارات وارد آمده به خود را جبران خواهد کرد.

۴. اصلاح مرتبط با کسورات پرداخت پیمانکار

اصلاح دیگر در مورد کسورات پرداخت‌های پیمانکار، افزایش موارد و دلایل کسر در شرایط عمومی سند مصوب ۱۴۰۲ است. مواردی از قبیل: مالیات پیمان، کلیه خسارات و جرایم مطابق پیمان، کلیه پرداخت‌ها به پیمانکار که به اشتباه صورت گرفته‌است و هزینه کارهای انجام‌شده توسط کارفرما که در زمرة تعهدات پیمانکار است، به علاوه بالاسری مربوط، در سند قبلی سابقه نداشته و درجهت حفظ منافع کارفرما ذکر شده‌اند.

۵. اصلاح مرتبط با تشریفات فسخ پیمان توسط پیمانکار

در بند ۲-۶۹ شرایط عمومی سند سال ۱۴۰۲ به تشریفات فسخ پیمان توسط پیمانکار موارد جدیدی افروده شده که در سند قبلی وجود نداشت، ازجمله افزایش مهلت توافق پیمانکار و کارفرما در مورد عدم‌فسخ پیمان از ۱۵ به ۲۱ روز. علاوه بر آن، درصورت عدم‌توافق برخلاف سند قبل در همان لحظه به پیمان خاتمه داده نمی‌شود و موضوع به کمیته دائمی پیشگیری و رسیدگی به اختلاف^۲ ارجاع داده می‌شود. درنهایت، «چنانچه بنابر تشخیص کمیته مذکور، نقض

۱- پیش از امضای پیمان، به منظور تضمین انجام تعهدات مندرج در پیمان، پیمانکار باید تضمین مطابق آین‌نامه تضمین معاملات دولتی مصوب ۱۳۹۴ تهیه و تسلیم کارفرما نماید. این تضمین باید تا یک‌سال پس از تحويل موقعت یا زمان پیش‌بینی‌شده در شرایط خصوصی، معتبر باشد.

۲- کمیته دائمی پیشگیری و رسیدگی به اختلاف که به واسطه ماده ۷۵ شرایط عمومی پیمان EPC در سال ۱۴۰۲ ایجاد گردیده، مرحله‌ای جدید به سازوکار حل اختلاف پیمان EPC صنعت نفت اضافه کرده است. این مرحله بعد از مذاکره و قبل

تعهد کارفرما محرز اعلام شود، پیمانکار می‌تواند پیمان را خاتمه دهد»، پیش‌بینی این مراحل به سود کارفرما بوده و از فسخ پیمان با اراده صرف پیمانکار بدون ارجاع به یک مرجع تصمیم‌گیری مورد توافق طرفین جلوگیری می‌نماید.

۶. اصلاح مرتبط با موارد فسخ پیمان توسط کارفرما

شرایطی که به کارفرما این اختیار را می‌دهد تا قرارداد را به دلیل تقصیر پیمانکار فسخ نماید، در پروژه‌های مختلف، بسیار متنوع هست و تاحد زیادی به موضوع هر پروژه اعم از بالادستی یا پایین‌دستی ارتباط دارد (Pritchard, ۲۰۱۱, ۷۸). در ماده ۶۸ شرایط عمومی پیمان همسان ۱۴۰۲ با موضوع فسخ پیمان توسط کارفرما ناشی از نقض تعهدات پیمانکار، کارگروه بازنگری در بند ۱-۶۸، موارد اختیاری و اجباری فسخ پیمان توسط کارفرما را بر شمرده است. از موارد نوآوری این سند می‌توان به بند ۵ این ماده اشاره کرد که در آن، تأخیر بیش از ۲۸ روز در تحويل گرفتن زمین توسط پیمانکار را از موارد اختیاری فسخ پیمان دانسته است؛ همچنین، در مورد ۷ این ماده برخلاف مورد مشابه در سند قبلی که فقط ورشکستگی شرکت پیمانکار را از موارد فسخ اختیاری پیمان می‌دانست، موارد مقدماتی مانند طرح دعوى ورشکستگی در محاکم قضایی، صدور حکم ورشکستگی یا توقیف ماشین‌آلات و ابزار‌آلات پیمانکار از سوی مراجع ذی‌صلاح به‌نحوی که موجب توقف و یا کندی پیشرفت کار شود را نیز از موارد فسخ اختیاری می‌شمارد؛ همچنین، در مورد ۱۱ این ماده، هرگاه کارفرما پس از امضای پیمان تا تحويل موقت، مشمول قانون منع مداخله وزرا و نمایندگان مجلسین و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری، مصوب بیست و دوم دی ماه ۱۳۳۷ شود، ولی پیمانکار علی‌رغم اطلاع از موضوع، تعمداً مراتب را به کارفرما اعلام ننماید، کارفرما ملزم به فسخ قرارداد است.

از مراجعه به هیئت حل اختلاف دستگاه مرکزی کارفرما و داوری مندرج در سند همسان جایابی شده و وجه تمایز آن از سایر روش‌های حل اختلاف، پیشگیری از اختلاف و شروع فعالیت اعضای آن قبل از بروز اختلاف و از ابتدای پیمان است.

۷. اصلاح مرتبط با خاتمه پیمان

موضوع خاتمه پیمان در قراردادهای پیمانکاری، به عنوان یکی از طرق انحلال قراردادهای پیمانکاری محسوب می‌شود و ماهیت آن با معنای عرفی خاتمه قرارداد که شامل مواردی مانند: فسخ، انفصال، اقاله، ابطال، ایفا تعهد، اجرای تعهد و مواردی از این دست می‌گردد، متفاوت است. خاتمه قراردادهای پیمانکاری از جهت وابستگی آن به تصمیم کارفرما، بدون آنکه قصویر متوجه پیمانکار باشد و صرفاً بنایه مصلحت کارفرما، بسیار شبیه به نهاد حقوقی فسخ در صورت وجود خیار شرط است. به طورکلی، در باب تفاوت ماهیت فسخ و خاتمه ذکر شده در شرایط عمومی پیمانکار، می‌توان گفت که چنانچه قصور در ایفا تعهدات ناشی از فعل یا ترك فعل پیمانکار باشد، این امر مشمول فسخ قرارداد قرار گرفته و اگر تخطی از جانب پیمانکار صورت نگرفته و کارفرما بنابر مصلحت خود تصمیم به اتمام پیمان بگیرد، عنوان خاتمه قرارداد پیمانکاری بر عمل وی صدق می‌نماید (گلاابتوجی و جعفرپور، ۱۴۰۲: ۶). در ماده ۶۷ شرایط عمومی پیمان همسان ۱۴۰۲، کارفرما می‌تواند بنایه مصلحت خود و بدون اعلام دلیل، در هر مقطعی پیش از تکمیل کار، پیمان را خاتمه دهد. در سند قبلی ذکر شده بود که کارفرما نباید به قصد انجام کار راساً یا توسط پیمانکار دیگر، براساس مفاد این ماده به پیمان خاتمه پیمان دهد که این مطلب در شرایط عمومی مذکور حذف شده است و کارفرما می‌تواند با هرگونه قصد و نیتی، اقدام به خاتمه پیش از موعد کار کند. این مساله دست کارفرما را در انجام کار به صورت راساً یا تحويل کار به پیمانکار دیگر باز گذاشته و به نفع کارفرما است؛ اگرچه از منظر تحمیل ریسک‌های ناشی از خاتمه پیمان به پیمانکار و عدم پیش‌بینی مسئولیت کارفرما درجهت جبران خساراتی که به پیمانکار تحمیل می‌شود، از جمله موارد توزیع قراردادی یک‌جانبه و غیر منصفانه ریسک‌ها به شمار می‌آید (سلیمی، ۱۴۰۲: ۱۳۲).

۸. اصلاح مرتبط با خسارات ناشی از تاخیر پرداخت به پیمانکار

در مورد خسارت ناشی از تاخیر پرداخت صورت وضعيت‌ها به پیمانکار نیز بین دو سند تفاوت وجود دارد. در سند قبلی، اولاً، میزان جبران خسارت به شرایط خصوصی واگذار شده است؛ ثانياً، در موارد سکوت در شرایط خصوصی، این مبلغ معادل سود سپرده بلندمدت بانکی اعلامی بانک

مرکزی به تناسب زمان تأخیر و مبلغ صورت وضعیت مورد تایید کارفرماست. در شرایط عمومی سند مصوب ۱۴۰۲، اولاً صحبتی از شرایط خصوصی نیست؛ ثانیاً، به تناسب مدت تأخیر در پرداخت‌های مربوط، مبلغی به منظور جبران خسارت ناشی از تأخیر در پرداخت، براساس تغییر شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی اعلامی از سوی مرجع ذی‌صلاح و با رعایت دستورالعمل مندرج در بخش ۵ پیوست شماره ۵ پیمان، محاسبه شده و به وی پرداخت می‌شود. این سند محاسبه مبلغ خسارت به‌نوعی شناور و بسته به تغییر شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی درنظر می‌گیرد که ممکن است حالتی پیش‌آید که با وجود تأخیر کارفرما در پرداخت، اما به‌دلیل عدم تغییر شاخص، مبلغی به پیمانکار تعلق نگیرد؛ درصورتی که مطابق سند قبلی، به‌هرحال با صرف تأخیر، مبلغی معادل سود سپرده بلندمدت بانکی به وی تعلق می‌گیرد.

اصلاحات مربوط به رفع ابهام، تفکیک و تعیین دقیق‌تر تعهدات

۱. تعیین دقیق میزان هزینه کارهای انجام شده توسط کارفرما و مهلت پرداخت آن طبق بند ۴-۶۱، شرایط مذکور که تا حدی مشابه نظری آن در سند قبلی است: «هرگاه پیمانکار پس از ابلاغ دستور کارفرما مبنی بر رفع عیب و نقص کارها، طی مدت معقولی نسبت به رفع آنها اقدام نکند و یا در عمل نتواند عیوب و نواقص را به‌نحوی صحیح رفع کند، کارفرما می‌تواند رأساً اقدام به رفع آن‌ها بنماید. در این صورت، پیمانکار موظف است ماشین‌آلات و ابزار‌آلات و مصالح و تجهیزات موجود در انبارهای خود را در اختیار کارفرما بگذارد.» اما تفاوت این ماده با سند قبل در برآورد هزینه‌های انجام‌شده توسط کارفرما و مسئولیت پیمانکار در بازپرداخت این هزینه‌های است. در سند قبلی، هزینه‌های انجام‌شده به‌وسیله کارفرما، با احتساب هزینه‌های نیروهای غیرمستقیم و بالاسری‌های مربوط، به حساب بدھکاری پیمانکار منظور می‌شد که در محاسبه این هزینه‌ها و ملاک تعیین هزینه‌های بالاسری و مهلت پرداخت آن، امکان اختلاف وجود داشت؛ اما براساس ماده جدید «پس از رفع عیب و نقص، پیمانکار باید هزینه‌های انجام‌شده ازسوی کارفرما را با لحاظ بالاسری به میزان ۱۵ درصد، حداقل ظرف مدت ۲۸ روز از تاریخ ابلاغ به وی، پرداخت نماید؛ درغیراینصورت، کارفرما حق دارد بدون نیاز به انجام تشریفات قضایی یا اخذ مجوز، طلب خود را بدون نیاز به مطالبه مجدد، از محل سپرده‌ها و تضمین‌های

پیمانکار و یا سایر مطالباتی که پیمانکار از کارفرما دارد، وصول نماید. اگر مبالغ آن‌ها تکافو نکند، موضوع از مراجع قضایی پیگیری خواهد شد.»؛ بنابراین، در شرایط عمومی پیمان همسان ۱۴۰۲، مسئولیت پیمانکار در پرداخت هزینه‌های انجام‌شده توسط کارفرما شفافشده و علاوه بر آن، مهلت ۲۸ روزه‌ای نیز برای بازپرداخت هزینه‌ها منظور گردیده است؛ همچنین، ضمانت اجرای عدم این پرداخت هم به نحو شدیدی ذکر شده که به ضرر پیمانکار است و موجب افزایش مسئولیت وی می‌شود.

۲. تعیین محدود اختیارات نماینده کارفرما و عدم مسئولیت کارفرما نسبت به امور خارج از محدوده

مطابق با بند ۳-۳۹ شرایط عمومی ۱۴۰۲، اشخاص معرفی شده از طرف نماینده کارفرما، تنها در چهارچوب اطلاعیه صادرشده توسط نماینده اصلی، اختیار انجام وظایف را دارند. درواقع، طبق نص ماده «دستور، ابلاغیه و اقدام‌ها از طرف اشخاص معرفی شده توسط نماینده کارفرما، زمانی به منزله دستور، ابلاغیه و اقدام‌های کارفرما تلقی می‌شود که در محدوده اختیارات و وظایف آن‌ها که در اطلاعیه صادره از سوی نماینده کارفرما بیان شده است، باشد.» این موضوع به این شفافیت در ماده ۲۵ سند قدیم مطرح نشده است و حتی عبارت «هر نوع دستور، ابلاغیه و اقدام‌های فرد یا افراد یادشده، به منزله دستور، ابلاغیه و اقدام‌های مجری طرح تلقی می‌شود.» در تضاد با بیان جدید است؛ بنابراین، کارفرما وظیفه بررسی تمام دستورات و اقدامات افراد یادشده و انطباق آن‌ها را با اعلامیه معرفی، از وظایف پیمانکار دانسته و درصورت تعارض بین عملکرد افراد و اعلامیه، اعمال این افراد را منتسب به خود ندانسته و درنتیجه، در ارتباط با آن‌ها مسئولیتی نخواهد داشت.

۳. تعیین دقیق شرایط تمدید پیمان

به‌طورکلی، در قراردادهای EPC، عنصر زمان و تاریخ تکمیل پروژه آن دارای اهمیت قابل توجهی است. از این جهت باید وقایعی که تاریخ تکمیل پروژه را به تأخیر می‌اندازند و ضمانت اجرای تخلف از تحويل به‌موقع پروژه به درستی مشخص گردد؛ درغیراین‌صورت، منافع کارفرما به‌شدت به‌خطر خواهد افتاد. به عنوان مثال، در پروژه ساخت نیروگاه به روش BOT، هر نوع تأخیر

در تاریخ تکمیل پروژه، دوره بازیافت هزینه‌ها و سوددهی پروژه را به خطر انداخته و ممکن است با این روند در پایان دوره قراردادی، برخی هزینه‌های سرمایه‌گذاری بازپرداختنشده و یا سود مدنظر از قرارداد حاصل نگردد (حاتمی و کریمیان، ۱۳۹۳: ۱۱۲۱). در این خصوص، بند ۶۴-۲-۱، شرایط عمومی سند فوق‌الذکر درخصوص نحوه تمدید مدت پیمان با بند مشابه در سند قبلی، تفاوت‌های زیادی دارد؛ از جمله آنکه، به ذکر مهلت دقیق ۱۴ روزه برای پیمانکار جهت اطلاع هریک از شرایط پیش‌آمده به مشاور کارفرما (به جای خود کارفرما) و تعیین مهلت ۲۸ روزه پس از پایان شرایط مذکور، جهت درخواست تمدید مدت پیمان پرداخته است. تعیین این مهلتها درواقع به نفع کارفرما هست، چراکه در سند قبلی، مهلت خاصی برای تسلیم درخواست تمدید مهلت پیمان ذکر نشده بود و پیمانکار می‌توانست از این خلاص قانونی استفاده کند و کارها را بیشتر از حد معمول به تأخیر بیندازد؛ اما در حال حاضر باید ظرف مهلت معین، درخواست تمدید را تسلیم کند و اگر فراتر از مهلت یادشده عمل کند، طبق تبصره ۱ این ماده «مدت پیمان در ارتباط با آن موضوع، تمدید نخواهد شد و کارفرما مسئولیتی در این خصوص نخواهد داشت، مگر آنکه دلایل دیرکرد پیمانکار در ارائه درخواست، مورد قبول کارفرما واقع شود.

۴. تعیین دقیق موارد رفع مسئولیت پیمانکار در دوره رفع نقص

ماده ۴۱، شرایط عمومی درخصوص دوره مسئولیت رفع نقص به ذکر دلایلی که پیمانکار قادر به استناد به آن‌ها جهت رفع مسئولیت از خود در دوران رفع نقص هست، پرداخته است. در ماده قبلی، این دلایل تصریح نشده بود، اما در شرایط عمومی سند ۱۴۰۲، این موارد به استناد، مدارک فنی و دستورالعمل‌های بهره‌برداری و نگهداری محدود شده است و پیمانکار نمی‌تواند به دلایل دیگری برای اثبات اینکه عیوب و نواقص ناشی از عملکرد وی نیست، استناد کند. این مساله، قدرت رفع مسئولیت پیمانکار از خود را محدود کرده و بهنحوی به نفع کارفرماست؛ چراکه در صورت عدم توانایی پیمانکار بر اثبات اینکه عیوب و نواقص ناشی از نگهداری یا بهره‌برداری نادرست از کار توسط کارفرما بوده است، وی همچنان ملزم به رفع نقص و تحمل هزینه‌های مربوطه است.

۵. تعیین تکلیف هزینه آزمایش‌های اضافی با توجه به نتیجه آزمایش

یکی از تغییرات بهجا و درواقع نوعی تفکیک درست مسئولیت در شرایط عمومی، سند مصوب ۱۴۰۲ درمورد هزینه آزمایش‌های اضافی درمورد بازرگانی و کنترل کیفی کار است که کارفرما از پیمانکار، انجام آن‌ها را مطالبه می‌کند. براساس ماده ۳۱ سند قبلی، کارفرما موظف بود تا این هزینه‌ها را بی‌قید و شرط به پیمانکار پردازد؛ ولی براساس بند ۲ ماده ۵۱، شرایط عمومی سند فوق‌الاعشار، کارفرما تنها در حالتی موظف به پرداخت این هزینه‌هاست که انجام آزمایش‌های اضافی نشان‌دهنده صحت و سلامت مورد آزمایش باشد، در غیراین‌صورت و با مشخص شدن عیب و نقص در انجام کارها به‌واسطه آزمایش‌های اضافی، کارفرما مسئولیتی در مورد پرداخت نخواهد داشت و ریسک آن بر عهده پیمانکار است.

۶. تفکیک بین مسئولیت کارفرما نسبت به صحبت اسناد تسلیمی از سوی وی

تفاوت مهمی در مورد مسئولیت صحبت اسناد و مدارک تسلیمی از سوی کارفرما در دو سند وجود دارد. مطابق ماده ۲۷، سند قدیمی به طور مطلق «مسئولیت صحبت و دقت اطلاعات و مدارک فنی که طبق پیوست‌های ۱۳ و ۱۸ در تعهد کارفرماست، به عهده وی است و هرگونه هزینه اضافی طولانی‌شدن کار و یا خرر و زیان ناشی از عدم صحبت یا دقت اطلاعات داده شده به پیمانکار، بر عهده کارفرماست». حال آنکه ماده ۴۱ شرایط عمومی ۱۴۰۲، برای ایجاد این مسئولیت قائل به تفکیک بین دو زمان قبل و بعد از صحه‌گذاری اطلاعات و اسناد توسط پیمانکار است. درواقع، این سند، کارفرما را تا وقتی مسئول اطلاعات نادرست خود می‌داند که مهر تایید پیمانکار بر آن‌ها نخورده باشد و مطابق بند ۲ این ماده «پس از صحه‌گذاری اسناد و مدارک فنی پیمان توسط پیمانکار، صرفاً مسئولیت اسناد و مدارکی که مطابق بند ۷ شرایط عمومی از سوی پیمانکار نیاز به صحه‌گذاری نباشد، به عهده کارفرماست و هرگونه خسارت، هزینه اضافی وارد به پیمانکار و ایجاد تأخیر در اجرای پروژه ناشی از عدم صحبت یا دقت اطلاعات داده شده به پیمانکار، متوجه کارفرما می‌باشد». این تغییر قطعاً به نفع کارفرماست و ریسک وی را در مورد مسئولیت ناشی از اطلاعات نادرست کاهش می‌دهد.

۷. تعیین مسئول جبران خسارت در فرض اختلاف بین پیمانکار و شرکت بیمه

از مهم‌ترین اصول اکثر نظام‌های حقوقی، از جمله نظام حقوقی ما اصل «نسبی بودن قراردادها» به معنی تسری‌پیدا کردن آثار یک قرارداد صرفاً به طرفین آن قرارداد است. این مساله در ماده ۲۳۱ قانون مدنی^۱ نیز انعکاس یافته‌است. این نکته که حتی در صورت وجود اختلاف مابین طرفین عقد بیمه که عبارتند از: پیمانکار و شرکت بیمه‌گر نباید تعلل و تأخیری در پرداخت به کارفرما به وجود بیاید، به خوبی نشان‌دهنده این اصل مهم قراردادی است. در این رابطه می‌توان به بند ۱۸-۳ اشاره کرد^۲ که به موجب آن، مسئولیت پرداخت و جبران خسارات حتی در حالتی که اختلافی فی‌مایین پیمانکار به عنوان بیمه‌گذار و شرکت بیمه به عنوان بیمه‌گر باشد، به‌عهده پیمانکار گذاشته شده است.

۸. ارائه گزارش کامل تاثیر تغییرات کار توسط پیمانکار

یکی از وظایف پیمانکار در راستای تنظیم سند تغییر کار، ارائه گزارش تاثیر تغییرات در هزینه، مدت و کیفیت و ... به کارفرما ظرف ۱۴ روز است. این مورد در سند قبلی صرفاً در حد ارائه گزارش نسبت به هزینه و مدت بدون درنظر گرفتن محدودیت زمانی وجود داشت؛ بنابراین، تغییر سند ۱۴۰۲ را می‌توان افزایش دامنه تاثیر تغییرات بر انجام پروژه، آن‌هم به‌طور تمثیلی، نه احصائی دانست که نیاز به بررسی و اعلام نظر پیمانکار و متعاقباً افزایش تعهدات و رسیک وی را دارد. ثانیاً، پیمانکار جهت انجام این تعهد، محدودیت زمانی دارد.

ابداعات به نفع کارفرما در سند همسان EPC ۱۴۰۲

۱. نوآوری‌های مربوط به مشاور کارفرما

ماده‌ای مستقل مربوط به «مشاور کارفرما» در ماده ۳۰ سند قدیم و ۵۰ شرایط عمومی ۱۴۰۲ وجود دارد. در سند قبلی، اختیار استفاده کارفرما از مشاور و الزام پیمانکار به هماهنگی و همکاری با وی به‌طور کلی بیان شده است. این کلی‌گویی، موجب بروز مشکلاتی در اجرای قرارداد شده

۱ - معاملات و عقود فقط در باره طرفین متعاملین و قائم مقام قانونی آن‌ها موثر است، مگر در مورد ماده ۱۹۶.

۲ - پیمانکار باید به موجب اختلاف بیمه‌گر با وی درخصوص موضوع بیمه‌نامه، جبران خسارت وارد در آن موضوع را تا زمان تعیین تکلیف اختلاف مذکور تعلیق نموده و جبران خسارت را موكول به پرداخت بیمه‌گر نماید.

است. درواقع، اگرچه فلسفه وجود مشاور و استفاده از وی، تسهیل در تصمیم‌گیری و اجرای امور تخصصی از یک طرف و فراغت کارفرما از انجام امور جزئی و غیرتخصصی و تمرکز بر اجرای وظایف اصلی از طرف دیگر است؛ اما اعطای اختیارات کلی و بی‌حدود‌حصر می‌تواند این هدف را نقض گردد؛ بنابراین، در شرایط عمومی ۱۴۰۲، حدود و ثغور این اختیارات و محدودیت‌های آن با جزئیات بیشتری بیان شده است. از جمله این جزئیات عبارتند از :

- ۱- امکان تفویض برخی از وظایف و اختیارات کارفرما مبنی بر تایید، تصویب یا اخذ تصمیم به مشاور و ضرورت ارجاع این امور به وی توسط پیمانکار
- ۲- تعیین نماینده توسط مشاور با تعیین حدود و وظایف آنها
- ۳- تصریح به عدم جواز مشاور نسبت به سلب یا کاهش مسؤولیت پیمانکار در راستای اجرای تعهدات، تغییر در زمان و مبلغ پیمان و اسقاط یا کاهش حقوق کارفرما
- ۴- لزوم تایید نماینده‌گان مشاور توسط کارفرما و اعتبار دستورات آن‌ها پس از تایید
- ۵- امکان اعتراض پیمانکار نسبت به تصمیمات و دستورهای نماینده مشاور کارفرما و اخذ تصمیم نهایی توسط مشاور کارفرما
- ۶- حفظ حق بررسی و نظرارت برای مشاور کارفرما در صورت عدم اعتراض نماینده وی
- ۷- امکان تغییر مشاور در طول دوره اجرای پیمان توسط کارفرما
- ۸- امکان واگذاری خدمات بازرگانی فنی به اشخاص یا موسسات فنی ذی صلاح توسط کارفرما زیر نظر مشاور کارفرما.

علاوه بر موارد فوق، در قسمت‌های مختلف شرایط عمومی سند مصوب ۱۴۰۲ نیز اختیارات و وظایفی برای مشاور کارفرما در نظر گرفته شده است. در ادامه، به بیان چند مورد می‌پردازیم:

۱. طراحان سند موضوع تحقیق در ماده ۵۸ شرایط عمومی با موضوع تکمیل مکانیکی و پیش‌راهنمازی به ارتباط مستقیم پیمانکار با مشاور کارفرما به جای خود کارفرما اشاره کرده‌اند. برای مثال، در بند ۱-۵۸ سند به مسؤولیت پیمانکار درخصوص اطلاع‌دادن آمادگی برای مرحله پیش‌راهنمازی و ارائه برنامه زمانی مربوط به انجام آزمایش‌ها و عملیات پیش‌راهنمازی به مشاور

کارفرما اشاره شده است؛ این در حالی است که در ماده ۳۸ سند قبلی، پیمانکار در این خصوص باید اطلاع‌رسانی در مورد برنامه زمانی آزمایش‌ها و عملیات پیش‌راهندازی را به طرفیت خود کارفرما انجام می‌داد. به علاوه، در ادامه این بند این‌طور آمده است که «پیمانکار مکلف به درخواست حضور نمایندگان کارفرما و مشاور کارفرما در آزمایش‌ها و عملیات پیش‌راهندازی است تا کارفرما به انجام تعهدات احتمالی خود در این‌باره پیردازد»؛ در حالی که در سند قبلی، این تکلیف بر عهده پیمانکار فقط محدود به درخواست حضور از نمایندگان کارفرما بود و شامل مشاور کارفرما نمی‌گردید؛ همچنین، حضور نماینده مشاور کارفرما برای نظارت بر انجام آزمایش‌ها به جای خود کارفرما مطابق مفاد این ماده کافی است.

۲. مورد بعدی، لزوم درخواست پیمانکار از مشاور کارفرما برای بازدید کامل از کارها و تهیه فهرست نواقص احتمالی کارها و ابلاغ آن به پیمانکار در طول اجرای پروژه طبق بند ۵۸-۲ است. به علاوه پس از ابلاغ، پیمانکار ملزم به رفع نواقص مورد تشخیص مشاور کارفرما و اعلام مراتب رفع نقص به مشاور کارفرما به جای خود کارفرما گردیده است. در بند ۲-۰۶ شرایط عمومی سند مصوب ۱۴۰۲ به مرحله بعد از درخواست تحويل موقت پیمانکار از کارفرما اشاره شده است که همان لزوم بازدید از کارها و اطمینان از عدم وجود اشکال اساسی در کارها توسط مشاور کارفرماست. در این ماده، برخلاف ماده مشابه در سند قبلی که مسئولیت بازدید از کارها و سنجش آن بر عهده کارفرما بود، این وظیفه بر عهده مشاور کارفرما قرار داده شده است. طبق ۲۸ این ماده، «پس از انجام تعهدات پیمانکار و درخواست وی، مشاور کارفرما باید ظرف مدت روز از تاریخ وصول درخواست پیمانکار، پس از بازدید کامل کارها و اطمینان از عدم وجود اشکال و نواقصی که مانع از بهره‌برداری کامل کارها می‌شود و یا عدم وجود هرگونه مغایرت با الزامات و رویه‌های نظام مدیریت HSE کارفرما و نیز اطمینان از آماده‌بودن کار برای تحويل موقت، ضمن ارسال رونوشت به پیمانکار، مراتب را به کارفرما اعلام نماید»، طبق شرایط عمومی ۱۴۰۲ مشاور کارفرما باید در مهلت ۲۸ روزه، در محل پروژه حاضر شود و در صورت آماده‌بودن کار، آن را به کارفرما اطلاع دهد و در صورت آماده‌نبودن، دلایل آماده‌نبودن کار برای تحويل موقت را به پیمانکار اعلام نماید و پیمانکار موظف به رفع نواقص کار، طبق برنامه زمانی توافقی است؛

همچنین، ذکر مهلت مشاور کارفرما برای اعلامنظر که مهلت ۲۸ روزه جهت حضور در محل پروژه و بررسی کارها برای اطمینان از آمادگی کار جهت تحويل موقت است، از دیگر موارد نوآوری شرایط عمومی پیمان و به سود کارفرما هست؛ چراکه در سند قبلی، مهلتی برای بازرگانی از کارها و اطمینان از آماده‌بودن کار برای تحويل موقت ذکر نشده بود. نکته قابل توجه در این ماده، ذکر مواردی است که در اعلام تایید مشاور کارفرما برای تحويل موقت موثر است. ذکر مواردی مانند بررسی عدم وجود اشکال و نواقصی که مانع از بهره‌برداری کامل کارها می‌شود و یا عدم وجود هرگونه مغایرت با الزامات و رویه‌های نظام مدیریت HSE کارفرما، از نکات تاثیرگذاری در ماده جدید است که بررسی دقیق این موارد، درواقع به نفع کارفرماست؛ زیرا بر بار مسئولیت پیمانکار افزوده و او را ملزم به رعایت موارد گفته شده می‌کند.

۳. بند ۶۲-۲ شرایط عمومی سند موضوع این بژوهش چنین مقرر می‌دارد: «پس از انجام اقدامات بند ۶۲-۱، کارفرما و مشاور کارفرما، آزمایش‌ها و بازدیدهای مربوط را انجام داده و پس از حصول اطمینان نسبت به آمادگی کار برای انجام تحويل قطعی، کارفرما باید تاریخ حضور نمایندگان کارفرما، مشاور کارفرما و پیمانکار را جهت تحويل قطعی به پیمانکار اعلام نماید. تاریخ تحويل قطعی باید پس از پایان دوره مسئولیت رفع نقص کلیه کارها بوده و حداقل طرف ۲۸ روز پس از درخواست پیمانکار (موضوع بند ۶۲-۱) باشد.» طبق این بند، برای انجام مرحله تحويل قطعی، حضور هیأت سه نفره متشكل از نمایندگان کارفرما، مشاور وی و پیمانکار الزامي است. این مساله درواقع به نفع کارفرماست تا درصورت مشاهده عیب و نقص در کارها، اقدامات مقتضی را طبق بند ۶۲-۳ انجام دهد؛ یعنی مراتب را به پیمانکار ابلاغ کند تا پس از رفع نواقص، تحويل قطعی انجام شود.

۴. در بند ۳-۵۸ شرایط عمومی ۱۴۰۲، یک مورد جدید پیش‌بینی شده است که مربوط به درنظرگرفتن مهلت هفت‌روزه برای مشاور کارفرما جهت اعلام تایید یا عدم تایید رفع صحیح نواقص و آماده‌بودن کار برای پیش‌راهندازی توسط پیمانکار است. درصورتی که در ماده ۳۸ سند قبلی، فقط به حالت تایید کارفرما درخصوص رفع نواقص اشاره شده بود و هیچ‌گونه مهلت مشخص و ضمانت اجرایی برای عدم تایید طرف قرارداد اعم از کارفرما یا مشاور آن پیش‌بینی

نگردیده بود. در سند ۱۴۰۲، به این ضمانت اجرا توجه شده است و در صورت عدم تایید مشاور کارفرما، پیمانکار مکلف به اعلام دلایل عدم آماده‌بودن کار جهت پیش‌راهندازی به مشاور کارفرما هست و دوباره ملزم به رفع نواقص طبق برنامه زمانی مورد تایید مشاور کارفرما می‌شود. پیش‌بینی مهلت معین برای مشاور کارفرما جهت اعلام تایید یا عدم تایید وی، از موارد به سود طرف اول قرارداد یعنی کارفرماست؛ همچنین، پیش‌بینی ضمانت اجرای مربوطه نیز وزنه قرارداد را به سود کارفرما سنگین می‌نماید. شروع عملیات پیش‌راهندازی نیز طبق این بند باید با حضور مشاور کارفرما و نمایندگان کارفرما صورت پذیرد، درحالی‌که در ماده ۳۸ سند قبلی، فقط حضور نمایندگان کارفرما پیش‌بینی شده بود.

^۵. مطابق اجزای ۳ و ۴ قسمت ۲ ماده ۵۳ شرایط عمومی ۱۴۰۲، پیمانکار باید صورت وضعیت ماهانه خود را ابتدا برای مشاور کارفرما ارسال کند. مشاور، فرصت ۱۴ روزه برای بررسی دارد و در صورت عدم تایید مشاور، با ذکر دلایل صورت وضعیت را به پیمانکار برمی‌گرداند. پس از اصلاح توسط پیمانکار، مشاور باید ظرف ۷ روز، نظر خود در مورد صورت وضعیت را برای کارفرما ارسال کند. در صورت عدم رعایت مهلت‌های مشخص شده توسط مشاور، پیمانکار می‌تواند مستقیم صورت وضعیت را به کارفرما ارسال کند. اضافه شدن بررسی و اخذ تاییدیه توسط مشاور کارفرما از جمله موارد جدید در شرایط عمومی است که به نفع کارفرما و به نوعی در ساری‌وی منفی به‌ضرر پیمانکار به دلیل به‌تاختیر افتادن دریافت مطالباتش می‌شود. مانند هر موضوع مهمی که در سند ۱۴۰۲ نیاز به بررسی و تایید مشاور کارفرما داشته، پرداخت صورت وضعیت قطعی توسط کارفرما نیز نیازمند این تایید است. اولین نکته در ارتباط با ورود مشاور به این موضوع، طولانی شدن روند پرداخت حساب‌های پیمانکار است چه در حالتی که اختلافی بین پیمانکار و مشاور باشد و چه نباشد؛ همچنین، در نسخه جدید، حالتی در نظر گرفته شده که پیمانکار صورت وضعیت قطعی خود را ارائه نمی‌کند. بعد از اطلاع به وی، کارفرما می‌تواند تهیه صورت وضعیت قطعی را به هزینه پیمانکار به مشاور خود واگذار نماید (تبصره بند ۱ ماده ۵۷).

۲. نوآوری مربوط به رفع عیوب توسط کارفرما و استحقاق دریافت هزینه آن

طبق تبصره بند ۶۲-۳ شرایط عمومی ۱۴۰۲، «چنانچه پیمانکار در موعد تحويل قطعی در محل کار حضور نیابد کارفرما و مشاور کارفرما نسبت به انجام تحويل قطعی کار اقدام می‌نمایند. در صورت وجود عیب و نقص در کارها، کارفرما می‌تواند رأساً اقدام به رفع عیوب و نواقص موجود در کار نموده و کار را تحويل قطعی نماید. پس از رفع نواقص، پیمانکار باید هزینه‌های انجام شده از سوی کارفرما را با لحاظ بالاسری به میزان ۱۵ درصد حداکثر ظرف مدت ۲۸ روز از تاریخ ابلاغ به وی، پرداخت نماید. در غیراین صورت، کارفرما حق دارد بدون نیاز به انجام تشریفات قضایی یا اخذ مجوز، طلب خود را بدون نیاز به مطالبه مجدد، از محل سپرده‌ها و تضمین‌های پیمانکار یا سایر مطالباتی که پیمانکار از کارفرما دارد، وصول نماید. اگر مبالغ آنها تکافو نکند، موضوع از مراجع قضایی پیگیری خواهد شد. در هر حال، مسئولیت و هزینه رفع نواقص تا تاریخ تحويل قطعی بر عهده پیمانکار می‌باشد». این مساله که کارفرما رأساً استحقاق رفع نقص در این مرحله را دارد، امر نوینی است که در شرایط عمومی سند مصوب ۱۴۰۲ پیش‌بینی شده است و پیمانکار باید هزینه‌های این کار را متقبل شده و در صورت عدم پرداخت با ضمانت اجرای مربوطه روبرو خواهد شد. این تاسیس جدید به شدت به ضرر پیمانکار و به نفع کارفرما است و از تأخیر در تحويل پروژه توسط پیمانکار جلوگیری کرده و مسئولیت پرداخت هزینه‌ها را نیز به صورت کاملاً قهری بر او بار خواهد کرد.

۳. نوآوری مربوط به اعتبار پیمان

در پایان این ماده بند ۱-۲-۲-۶۴ درج شده است که به‌کلی در سند قبلی موجود نبود. موضوع این بند حالتی است که در پایان مدت پیمان (مدت پیمان با احتساب تمدید)، کار پیمان به اتمام نرسیده باشد. در این حالت، «کلیه مفاد پیمان همچنان دارای اعتبار بوده و از مسئولیت پیمانکار در انجام تعهداتش کاسته نمی‌شود و پیمانکار باید برنامه زمانی کارهای باقی‌مانده را به کارفرما ارائه نماید. در صورت تصویب برنامه زمانی توسط کارفرما، مدت پیمان مطابق برنامه زمانی مصوب، به‌دلیل قصور پیمانکار تطویل می‌شود. همچنین پیمانکار به تناسب تأخیر در تحويل موقت کار، ملزم به پرداخت خسارت تأخیر مطابق ماده ۶۶ به کارفرما می‌باشد.» بنابراین،

این بند با پیش‌بینی پرداخت خسارت توسط پیمانکار در صورت عدم‌تحویل به‌موقع کارهای به‌ضرر پیمانکار عمل‌کرده و به مسئولیت‌های وی افروده است. به علاوه، در تبصره این بند به حق فسخ قرارداد توسط کارفرما درصورت نقض تعهد مستمر پیمانکار در انجام کارهای موضوع پیمان ازجمله انجام کارهای باقیمانده، مطابق ماده ۶۸ اشاره شده است که این مساله نیز به‌شدت به‌ضرر پیمانکار است.

۴. نوآوری مرتبط با تحويل زمین

موضوع جدید مطابق با ماده ۴۰ شرایط عمومی ۱۴۰۲، امکان فسخ پیمان برای کارفرما یا اخذ خسارت از پیمانکار درصورت تحويل نگرفتن به‌موقع زمین است. درواقع، «چنانچه علیرغم اعلام قبلی و کتبی کارفرما، پیمانکار بیش از ۲۸ روز از تاریخ تعیین‌شده در برنامه زمانی مقرر، برای تحويل گرفتن زمین تأخیر نماید، کارفرما می‌تواند طبق ماده ۶۸، پیمان را فسخ نماید. درصورت عدم‌فسخ پیمان بعد از مهلت ۲۸ روز، چنانچه پیمانکار پس از این مهلت، مبادرت به تحويل گرفتن زمین نماید، به تناسب روزهای تأخیر در تحويل زمین و به میزان درج شده در شرایط خصوصی مرتبط با ماده ۶۶ همان شرایط پیمانکار موظف به پرداخت خسارت به کارفرما می‌باشد».

۵. نوآوری مرتبط با تغییر کار

مبحث بعدی ماده مهم «تغییر کارها» موضوع ماده ۲۹ سند قدیم و ۴۹ شرایط عمومی سند مصوب ۱۴۰۲ است. در وهله اول، افزایش مطلب مربوط به این ماده در شرایط عمومی سند مصوب ۱۴۰۲ خودنمایی می‌کند؛ به‌نحوی که در سند قبلی در حد یک صفحه به این موضوع اشاره شده است؛ در حالی که در این سند، این موضوع به‌طور مفصل و در سه صفحه بیان گردیده است. از آنجایی که «تغییر کار» بیشتر از جانب کارفرما مطرح است و در راستای اهداف وی از اجرای پروژه هست، صرف پیش‌بینی آن به‌طور کلی، امتیازی برای کارفرما تلقی شده است؛ اگرچه در دل این کلیت، بتوان مواردی را به‌طور جزئی یافت که منافع پیمانکار نیز در نظر گرفته شده باشد. موارد زیر در شرایط عمومی سند مصوب ۱۴۰۲ در مورد «تغییر کارها» برای اولین‌بار بیان شده‌اند:

- امکان درخواست انجام کار جدید از پیمانکار مطابق ماده ۴۹-۱ درحالی که در سند قبلی، تنها امکان کاهش، افزایش، حذف و تغییر کارها ذکر شده بود.
- مفهومی به نام «مهندسی ارزش»^۱ مذکور در ماده ۴۹-۲.
- تصریح به عدم امکان افزایش کارها بیش از ۲۵ درصد مبلغ پیمان در شرایط عمومی مزبور درصورتی که مطابق ماده ۲۹ سند قبلی «چنانچه دستور تغییر صادره ازسوی کارفرما منجر به افزایش بیش از ۲۵ درصد مبلغ اولیه پیمان گردد، براساس مفاد ماده ۴۶ به پیمان خاتمه داده می‌شود.» و با توجه به ابتدای ماده ۴۶ که مقرر می‌دارد: «کارفرما می‌تواند بنایه مصلحت خود و بدون اعلام دلیل، در هر مقطعی پیش از تکمیل کار، از ادامه و تکمیل کار و اجرای پروژه صرفنظر کرده و به پیمان خاتمه دهد.» این ابهام در ذهن ایجاد می‌شود که ممکن است در صورت رضایت پیمانکار به افزایش بیش از ۲۵ درصد و عدم تمايل کارفرما به خاتمه بتوان شاهد تغییراتی بیش از ۲۵ درصد هم بود، مگر اینکه قائل به این باشیم که انتهای ماده ۲۹ به عنوان شرط نتیجه درج گردیده و خاتمه در چنین شرایطی قطعی است. به‌حال، این ابهام در سند ۱۴۰۲ ازبین‌رفته و به‌هیچ‌وجه نمی‌توان تغییری بیش از ۲۵ درصد مبلغ اولیه را داشته باشیم.

۶. نوآوری در امکان ضبط اموال پیمانکار

از دیگر نوآوری‌هایی که به نفع کارفرما در بند ۳-۳-۲ ماده ۵۷ شرایط عمومی سند مصوب ۱۴۰۲ لحاظ شده است، امکان ضبط اموال و دارایی‌های پیمانکار هست که در کارگاه موجود است. البته این مورد، ویژه حالت بدھکاری پیمانکار پس از تایید صورت وضعیت قطعی و عدم تکافوی سپرده‌ها و تضمین پیمانکار و سایر مطالبات است. مبنای این اختیار کارفرما، اعطای حق حبس به صورت یک طرفه از طرف پیمانکار به وی است.

۱ - مهندسی ارزش: تلاشی سازمان یافته که با هدف بررسی و تحلیل فعالیت‌های طرح در مراحل طراحی، اجرا، بهره‌برداری و نگهداری انجام می‌شود. این بررسی با استفاده از تجارب، ابتکارها و خلاقیت‌های متخصصان درجهت تحلیل کارکرد سیستم‌ها، عوامل، تجهیزات، تأسیسات، بهمنظور دستیابی به کارکرد پیش‌بینی شده با کمترین هزینه و با حفظ و یا ارتقای کیفیت و در کوتاه‌ترین زمان انجام می‌شود (نظام فنی و اجرایی کشور، اصلاحی ۱۳۹۰/۰۲/۱۱).

۷. نوآوری مرتبط با پیمانکاران جزء

ماده ۳۳ - ذیل فصل پنجم از سند مذکور که ناظر به تعهدات و مسئولیت‌های پیمانکار است - دربردارنده مفادی است که در سند قبلی، حرفی از آن بهمیان آورده‌نشده است و یکی از موارد ضعف این سند بهشمار می‌رود؛ چراکه هرگاه با قرارداد پیمان روبه‌رو باشیم، مساله پیمانکاران جزئی و چگونگی روابط آنها با پیمانکار اصلی و نیز با کارفرما ناگزیر خواهد بود که این ضعف در شرایط عمومی سند مصوب ۱۴۰۲ به خوبی پوشش داده شده و درخصوص موارد اختلافی، حکم قابل اعمال بیان‌گشته است. ماده ۱-۳۳ و ۲-۳۳، مسئولیت اعمال پیمانکاران فرعی و خدمات انجام‌شده به وسیله آن‌ها و همچنین وظیفه ایجاد هماهنگی‌های لازم بین آن‌ها و کارفرما را به‌عهده پیمانکار اصلی گذاشته و از این‌جهت که کارفرما را علی‌رغم ذی‌نفع بودن وی در تمام قراردادهای فرعی با تک‌تک اشخاص واردشده به پیمان درگیر نمی‌کند، به‌نفع کارفرما عمل کرده است. از نکات قابل توجه ماده ۶-۳۳ و لزوم درج نام کارفرما به عنوان ذی‌نفع و مالک کل پروژه در تمامی قراردادهای منعقده فی‌مایین پیمانکار اصلی با پیمانکاران فرعی خود است که راه سوءاستفاده احتمالی پیمانکار از این قرارداد فرعی به نفع وی را می‌بندد. اهمیت و میزان تاثیر ماده ۷-۳۳، هنگامی مشخص می‌شود که پیمانکار، طرف قرارداد خارجی باشد که به‌موجب این ماده، شخص ملزم به‌راعیت محدودیت‌های مندرج در قانون «حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی» شده است. هرچندکه واگذاری بخش‌هایی از پیمان به پیمانکاران یا فروشنده‌گان ثانویه منع قانونی ندارد؛ اما به‌موجب ماده ۸-۳۳^۱، حق واگذاری کلی، بدین‌معنا که موقعیت قراردادی یکی از طرفین همراه با تمامی حقوق و تعهدات ناشی از آن به شخص ثالثی منتقل گردد (مقدم، ۱۳۸۶ ص. ۳) از پیمانکار سلب شده و درصورت تخلف از این مقرره، کارفرما حق فسخ پیمان را خواهد داشت. ماده بعدی ذیل همین بحث نیز راجع است به نحوه معرفی پیمانکاران جزء و حتی مهندسان، فروشنده‌گان و طراحان به کارفرما و کسب موافقت وی در این خصوص. یکی از مواردی که می‌تواند اخذ تاییدیه کارفرما را تسريح کند، ارائه گواهی‌نامه‌های معتبر و بین‌المللی در زمینه تخصصی فعالیت پیمانکار توسط اوست. این

^۱- در هر حال، واگذاری کل کارهای پیمان به پیمانکاران جزء مجاز نیست.

گواهی‌نامه‌ها و تاییدیه‌ها حاکی از توانمندی پیمانکار در حوزه مشخصی بوده است (گلدوست جویباری و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۳)؛ پس شایسته است حتی در صورت عدم الزام ارائه آن‌ها، پیمانکار مربوطه به این امر اقدام نماید. این مساله از آنجا که محدودیتی برای پیمانکار اصلی بهجهت همکاری و واگذاری امور مربوطه به پیمانکاران فرعی ایجاد کرده است، علی‌رغم ماده ۱-۳۳ همین باب که پیش‌تر از آن بحث شد، تماماً به نفع کارفرماست.

۸. نوآوری مرتبط با اخذ تاییدیه از پیمانکار

کلیت ماده ۳۷ سند ۱۴۰۲ که مانند بسیاری از مواردی که بر شمردیم از ابداعات همین سند است بر تایید یا به نوعی اقرار پیمانکار نسبت به آگاهی کامل از وضعیت جغرافیایی محل پروژه، دریافت تمام استناد و مدارک و اطلاعات، وقوف کامل نسبت به قوانین سرزمینی محل فعالیت ازجمله: مقررات گمرکی بیمه‌ای یا حتی^۱ HSE و مواردی از این‌دست و قابل استعمال‌بودن ادعای عدم آگاهی نسبت به هریک از موارد فوق یا موارد مشابه در صورت بروز اختلاف یا تمایل کارفرما به فسخ پیمان استوار است. ماده ۳۷-۴ ناظر به اقرار پیمانکار نسبت به آگاهی از تمام فعالیت‌های مرتبط با فعالیت خود و به بیانی مربوط به بحث مهم «یکپارچه‌سازی»^۲ است.

۹. نوآوری مرتبط با قانون منع مداخله وزرا و نمایندگان مجلس در معاملات دولتی نکته شایان توجه، شمول یا عدم‌شمول پیمانکار است ذیل «قانون منع مداخله وزرا و نمایندگان مجلسین و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری» است که از قوانین مهم و تاثیرگذار در اقتصاد و صنعت کشور بهشمار می‌رود. در صورتی که پیمانکار ازجمله اشخاص مقرر در ماده ۱ قانون مذکور باشد و سوءنیتی از جانب اوی به جهت عدم‌افشای این مهم احراز شود، به موجب ماده ۱-۷-۳۷ این سند، این عدم‌افشا، نوعی شرط فاسخ تلقی شده و از تاریخ اطلاع از آن، پیمان باطل تلقی و تمام تضمینات پیمانکار اعم از انجام تعهد و حسن انجام تعهد به نفع کارفرما ضبط

^۱- Health, Safety and Environment

^۲- از مشخصات و ماهیت کلی پروژه و کارهای در دست اجرا به وسیله کارفرما و سایر پیمانکاران اوی که در انجام موضوع پیمان به نحوی مؤثرند، آگاه است.

^۳-Unitization

خواهد شد. چنانچه بعد از انعقاد پیمان، تغییراتی در شخصیت حقوقی شخص پیمانکار حادث شود که بتوان وی را از مصادیق اشخاص مذکور در قانون منع مداخله وزرا و نمایندگان مجلسین و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری محسوب کرد، کارفرما بالافصله حق فسخ پیمان را خواهد داشت.^۱ به موجب ماده ۳۷-۳۷ پیمانکار وظیفه دارد این تغییرات را به اطلاع کارفرما برساند. اگر: ۱- مانع قانونی مدنظر طی ۲۸ روز رفع نشود و یا ۲- کارفرما احراز کند که پیمانکار در عدم اعلان خود تعمدی داشته است، حق خاتمه‌دادن به پیمان به صورت یک‌جانبه را خواهد داشت. ماده ۹-۳۷ به «بی‌قيد و شرط‌بودن» تعهدات و مسئولیت‌های پیمانکار در برابر کارفرما تصریح کرده که نشان‌دهنده تعهد به نتیجه بودن هرگونه وظایفی است که طی این توافق بر عهده پیمانکار قرار گرفته است.

۱۰. نوآوری مرتبط با پرداخت صورت‌وضعیت‌های پیمانکار

مطابق با ذیل قسمت ۴ ماده ۳۳ قدیم که اهم مطالب آن در جزء ۵ قسمت ۲ ماده ۵۳ شرایط عمومی ۱۴۰۲ تکرار شده است، کارفرما می‌تواند با وجود دلایلی از پرداخت صورت‌وضعیت به پیمانکار خودداری نماید. یکی از نوآوری‌های شرایط عمومی سند مصوب ۱۴۰۲، امکان عدم پرداخت صورت‌وضعیت جدید توسط کارفرما به دلیل وقوع اشتباه در بررسی و تایید صورت‌وضعیت‌های قبلی است. درواقع، از آنجایی که این پرداخت‌ها قطعی نیستند و جنبه موقتی دارند، اعتبار آنها نیز قابل خدشه است و در هر زمان که وجود اشتباهی در صورت‌وضعیت‌های تاییدشده و پرداخت‌شده قبلی احراز گردد، کارفرما می‌تواند از پرداخت صورت‌وضعیت جدید مناسب با مبالغ برآورده ناشی از اشتباهات جلوگیری کند.

۱- ماده ۲-۷-۲۷: هرگاه پس از امضای پیمان تا تحويل موقت، تغییراتی در صاحبان سهام، میزان سهام، مدیران با بازرسان شرکت پیمانکار به وجود آید که مشمول قانون مذکور گردد، کارفرما پیمان را مطابق ماده ۶۸ فسخ می‌نماید.

نتیجه‌گیری

هدف نهایی انعقاد هر قراردادی، اجرای صحیح و با کمترین اختلاف ممکن در زمان مقرر آن است. چالش‌های پیش‌آمده اخیر مرتبط با ناترازی انرژی در کشور و درک آن توسط آحاد ملت، نشان از اهمیت اجرای به موقع پروژه‌های مرتبط با صنعت نفت دارد. پروژه‌هایی که محصول آن، گرداننده چرخ سایر صنایع اعم از بزرگ و کوچک و تامین‌کننده انرژی مصرفی خانوارها هستند. لحظه‌ای درنگ نابجا در اجرای آنها، موجب خسارات میلیاردی به کشور و مانع برای تحقق اهداف چندین ساله در راستای جهش تولید است. تفاوت موضوع و اهمیت قراردادهای حوزه صنعت نفت، اقتضا دارد تا شیوه مذکوره، اجرا و حتی حل اختلاف آن نیز با سایر قراردادها متمایز باشد. در راستای تحقق این تمایز با درنظرگرفتن حقوق پیمانکاران فعل در این حوزه و استفاده از تجربیات اجرای قراردادهای پیشین، بازنگری درجهت بهبود و افزایش کارایی اقتصادی این قراردادها، حیاتی است. بی‌شک، منافع کارفرما در این گونه قراردادها، منافع مستقیم یک ملت در نسل کنونی و نسل‌های آینده است که بایستی به صورت حداقلی تأمین گردد. متناسب با هدف تعیین شده برای پروژه‌هایی که به شیوه EPC توسط پیمانکار اجرا می‌شوند، کارفرما باید ابزار، اختیار و اقتدار لازم را از حين مذکوره تا پایان قرارداد داشته باشد. در سند مورد بحث این مقاله، بسیاری از ابزارها و اختیارات کارفرما و حقوق وی متناسب با اقتضایات بیان شده، به روز گردیده است و مواردی نیز برای رفع خلاهای قراردادی ابداع گردید.

این مطالعه نشان می‌دهد متصدیان امر نگارش و تصحیح استاد همسان از جمله سازمان برنامه و بودجه و وزارت نفت، به درستی بسیاری از چالش‌های پیش‌رو کارفرما را در اجرای پروژه‌های صنعت نفت شناسایی و درجهت کاهش آنها، راهکارهای مناسبی را پیش‌بینی کرده‌اند. افزایش حقوق و اختیارات کارفرما در اصلاحات و ابداعات اخیر، چشمگیر و متناسب با اهداف اجرای قرارداد است. گرچه نمی‌توان ادعا کرد که این میزان از تغییرات و ابداعات، تمام منافع کارفرما را در طول اجرای قرارداد تامین می‌کند؛ ولی نسبت به مفاد سند قبلی، بسیاری از موانع حذف و اختیاراتی اضافه شده است. در بسیاری از موارد در سند قبلی، حقی برای کارفرما درنظرگرفته شده بود؛ اما به دلیل ابهام در حدود و شغور یا نحوه اجرای آن، مطلوبیتی در حسن

اجرای قرارداد نداشت و چه بسا، موجب اختلاف و تأخیر در انجام تعهدات طرفین می‌شد. رفع این ابهامات و شفافسازی آنها در سند اخیر به تامین منافع کارفرما کمک قابل توجهی نمود.

باتوجه به تغییرات ایجادشده در شرایط عمومی پیمان EPC ۱۴۰۲، شاهد برخی اصلاحات و تغییرات سند به نفع کارفرما و وجود برخی نوآوری‌ها هستیم که به تامین منافع طرفین پیمان، بالاخص کارفرما کمک شایانی می‌نماید. مواردی مانند افزایش مهلت مربوط به اقدامات و تصمیم‌گیری‌های کارفرما که درخصوص افزایش مهلت صدور دستور تعليق پیمان و معرفی نماینده کارفرما بروز و ظهور یافته است، از جمله این تغییرات هست که منافع کارفرما را بیشتر در متن قرارداد تامین می‌کند؛ همچنین، افزایش زمان اعتبار تضمین پیمانکار، جلوگیری از فسخ یک طرفه پیمان توسط پیمانکار بدون مداخله نهاد حل اختلاف قراردادی، افزایش موارد فسخ قرارداد توسط کارفرما، کاهش محدودیت‌های کارفرما در خاتمه پیمان، ارائه گزارش کامل تاثیر تغییرات کار توسط پیمانکار، وابستگی خسارات ناشی از تأخیر پرداخت به پیمانکار به تغییر شاخص بهای کالاهای تعیین درصد هزینه‌های بالسری کارفرما، عدم انتساب اقدامات خارج از حدود نماینده کارفرما به کارفرما براساس معرفی‌نامه کارفرما، تعیین دقیق شرایط تمدید پیمان، مسئولیت پیمانکار نسبت به پرداخت هزینه آزمایش‌های اضافی درصورت اثبات وجود عیب در انجام کارها از جمله اصلاحات به نفع کارفرما در سند مذبور است؛ همچنین، در زمینه پرداخت صورت وضعیت‌های پیمانکار، امکان ضبط اموال وی، تعهدات و تکالیف پیمانکاران جزء مسائل مربوط به تحويل زمین و تغییر کار و درنهایت رکن مشاور کارفرما، شاهد ابداعات و نوآوری‌هایی در این سند هستیم که هر کدام به تنها یی می‌تواند اجرای مطلوب پروژه را بهبود بخشد.

درنهایت، باید گفت علی‌رغم تمام اصلاحات و ابداعات ایجادشده به نفع کارفرما، نمی‌توان انتظار اجرای بهتر قراردادهای EPC را داشت؛ بدون آنکه در برابر هر کدام از حقوق و اختیارات اعطاءشده به کارفرما، موارد مرتبط به پیمانکار بررسی و تحلیل گردد. درصورتی که این موارد به صورت یک‌جانبه و غیرمنصفانه به کارفرما اختصاص یابد و در عوض این امتیازات، حق و اختیاری برای پیمانکاران درنظر گرفته نشود، هدف اساسی تمام این تغییرات که اجرای کامل و صحیح پروژه است، به دلیل عدم تعادل قراردادی و تخصیص ناعادلانه ریسک‌ها، محقق نخواهد

شد. بدیهی است اثبات این فرضیه، نیازمند بررسی، مطالعه، مقایسه و تحلیل کمی تغییرات و اصلاحات سند مذبور از منظر نتیجه‌بخشی پروژه در یک تحقیق مجزا خواهد بود.

فهرست منابع

کتاب‌ها

- (۱) حاتمی، علی و کریمیان، اسماعیل(۱۳۹۳). حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در پرتو قانون و قراردادهای سرمایه‌گذاری. تهران: تیبا.
- (۲) کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۹). اعمال حقوقی قرارداد-ایقاع. تهران: گنج دانش.
- (۳) متولی، احمد و کافتری، سمانه (۱۳۹۹). آموزش جامع قراردادنوبیسی. تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.

مقالات فارسی

- (۴) ایزانلو، محسن و شاهین، ابوالفضل (۱۳۹۲). «مطالعه تطبیقی شرط تضمین مسئولیت در قراردادها»، فصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی، ش ۱۷
- (۵) بهادری، شیرکو (۱۳۹۸). «آسیب‌شناسی قراردادهای EPC و EPCF در صنعت نفت ایران»، ماهنامه علمی اکتشاف و تولید نفت و گاز، شماره ۱۶۵ ، صص ۹-۱۳ .
- (۶) زبیدی، مریم (۱۳۹۸). «تعليق قرارداد پیمان و آثار آن با رویکردی به شرایط عمومی پیمان»، نشریه مطالعات علوم سیاسی، فقه و حقوق، ش ۱، دوره پنجم، صص ۱۷۱-۱۶۶.
- (۷) سلیمی، سیده شیدا؛ حاجیان، محمدمهدی و حمیدرضا علومی یزدی(۱۴۰۲). «بررسی توزیع ریسک‌های حقوقی قراردادی در اسناد EPC، کلید در دست وزارت نفت ایران»، نشریه ۵۴۹۰ و فیدیک، صص ۱۴۲ - ۱۱۹ .
- (۸) طجرلو، رضا و عبدی، صادق(۱۳۹۷). «مقایسه هیئت‌های حل و فصل اختلافات قراردادی وزارت نفت و نمونه قراردادهای بین‌المللی فیدیک»، نشریه مطالعات حقوق انرژی، دوره ۴ ش ۲.
- (۹) کاظمی نجف‌آبادی، عباس و بیات، زهرا (۱۳۹۵). «ماهیت تضمین‌های پیمانکاری و نحوه خبط و شرایط مطالبه ضمانتنامه‌ها در حقوق ایران و قراردادهای نمونه فیدیک»، مطالعات حقوق تطبیقی، ش ۲.
- (۱۰) گلابتونچی، ایرج و جعفریبور، کوروش(۱۴۰۲). «تحلیل حقوقی آثار مالی اقتصادی خاتمه و فسخ پیمان در قراردادهای پیمانکاری»، حقوق و مطالعات نوین بهار، شماره ۱۰، صص ۳۰-۱.

- (۱۱) گلدوست جویباری؛ یاسر؛ صبحیه، محمدحسین؛ خداداد حسینی، سیدحمدید؛ شاکری، اقبال و امیری، مجتبی (۱۳۹۶)، «شناخت منابع اعتماد کارفرما به پیمانکار برپایه ویژگی‌های قابلیت اعتماد پیمانکار»، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ش. ۳۱.
- (۱۲) مقدم، عیسی (۱۳۸۶). «انتقال قرارداد»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش. ۴.

مقالات انگلیسی

- ۱۳) FIDIC Conditions of Contract for EPC/Turnkey Projects, ۲۰۱۷,
SECOND EDITION
- ۱۴) Pritchard ,Nigel and John Scriven , ۲۰۱۱. EPC contract and major
project , Sweet & Maxwell, London

قوانين و مقررات

- ۱۵) نظام فنی و اجرایی کشور، اصلاحی ۱۳۹۰/۰۲/۱۱